

کون لینچ
سیمای شهر

www.ketab.ir

ترجمه:
دکتر منوچهر مزینی



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲۱۵۴

شماره مسلسل ۶۶۰۵

Lynch, Kevin	کینج . کوین . ۱۹۱۸ -
سیمای شهر / کوین لینچ : ترجمه منوچهر مزینی تهران : دانشگاه تهران . مؤسسه انتشارات . ۱۳۷۴ .	
۳۰ بیست و پنج . ۳۳۱ ص . مصور . (انتشارات دانشگاه تهران : شماره ۲۱۵۴) .	
ISBN 978-964-03-3704-2	
The Image of the City.	چاپ نهم فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا عنوان اصلی :
	چاپ قبلی: دانشگاه ملی ایران . ۱۳۵۰ .
	کتابنامه: ص . ۳۲۷ - ۳۲۸
	۱. شهرسازی - ایالات متحده . الفب مزینی . منوچهر . ۱۳۱۳ - مترجم . ب . دانشگاه تهران .
	مؤسسه انتشارات . ج . عنوان .
۱۳۸۹	۹۷۳-۷۱۱/۴
م ۷۵-۵۸۱	۹ ص ۹ / ۹۱۰۸ / ۹۸
	شماره کتابشناسی ملی

عنوان: سیمای شهر

تألیف: کوین لینچ

ترجمه: دکتر منوچهر مزینی

نوبت چاپ: نهم

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۰۳ - ۳۷۰۴ - ۲

ISBN 978-964-03-3704-2

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مترجم است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۵۵۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - سایت: www.press.ut.ac.ir

بخش و فروش: تلفنکس ۸۸۰۱۲۰۷۸

www.ketab.ir

فهرست مطالب

بك	پیشگفتار بر چاپ سوم کتاب
بازده	ترجمه نام لینچ به مترجم فارسی «سیمای شهر»
سبزه	اصل نامه لینچ (تایپ شده)
پانزده	اصل نامه لینچ (به خط خود او)
هفده	سخنی از مترجم
۹	بخش نخست : سیمای محیط
،	خوانائی ، ۱۶ : چگونه تصویر محیط بوجود می آید؟ ،
۳۴،	۱۸ : بافت و علائم مشخصه شهر، ۲۱ : «نمایانی»، ۳۴،

بخش دوم : مطالعه سیمای سه شهر
۳۵
«بستن»، ۳۹ : «جرزی سیتی»، ۵۲ : «لوس آنجلس»،
۶۳ : نکاتی کلی در مورد سه شهر مورد مطالعه، ۸

بخش سوم : سیمای شهر و عوامل سازنده آن
۸۹
«راه»، ۹۴ : «لبه»، ۱۱۶ : «گره»، ۱۳۴ :
«نشانه»، ۱۴۴ : روابط موجود بین عوامل سیمای شهر
۱۵۲ : تغییر تصاویر، ۱۵۶ : کیفیت تصویر، ۱۵۹

بخش چهارم : فرم شهر
۱۶۷
طرح کردن «راه‌ها»، ۱۷۵ : طرح سایر عوامل، ۱۸۲ :
کیفیات فرم، ۱۹۲ : مجموعه عوامل، ۱۹۸ : فرم
«کران شهران»، ۲۰۴ : مراحل مختلف طرح، ۲۱۰

بخش پنجم : مقیاسی تازه
۲۱۷

ضمائم

الف :
۲۲۳ پاره‌ای مراجع برای جهت‌یابی در شهر
انواع سیستم مراجع مورد استفاده در جهت‌یابی، ۲۳۴ :
نحوه شکل‌یافتن تصویر در ذهن ناظر، ۲۴۰ : اهمیت
فرم، ۲۴۵ : نکات ضعف «نمایی»، ۱۵۵

ب :
۲۵۹ روش مطالعه
روشی که پایه‌ای برای سیمای شهر بوجود آورد، ۲۸۱ :
جهانی برای پژوهش‌های آینده، ۲۸۴

پ : دو مثال از تجزیه و تحلیل عوامل شهر از نظر بصری ۲۹۱
«بیکن هیل»، ۲۹۲، : میدان «سکالی»، ۳۱۲،

کتب مورد استفاده مؤلف ۳۲۷

www.ketab.ir

پیشگفتار بر چاپ سوم کتاب

محیط زیست آدمی نه تنها شامل عوامل طبیعی چون درخت و تپه و دشت می‌شود، بلکه عوامل ساخته و پرداخته خود آدمی یا آن چه که به انگلیسی man - made environment نامیده می‌شود نیز بخش عمده‌ای از محیط زندگی را فراهم می‌آورد. البته آثار معماری که حاصل فعالیت آدمیان در ساختن و ساختمان است خود در شمار محیط ساخته و پرداخته آدمی می‌آید و بخشی از آن است، ولی همه آن نیست. آن چه جوهر و اساس کتاب سیمای شهر را پدید می‌آورد توجهی است که در آن به محیط ساخته و پرداخته آدمی شده است و راه‌های بهبود و اعتلای آن که پژوهش و کشف شده و به خواننده بازگفته شده است.

اصول معماری از دیر زمان مورد بحث و مطالعه قرار گرفته و احتمالاً هنگامی که ویتروویوس Vitruvius معمار و صاحب نظر رومی نخستین سده پیش از میلاد از سه اصل استحکام *solidité*، آسایش *Commodité* و زیبایی *beauté* سخن به میان آورد البته بیشتر به تأثیر معماری کلاسیک یونان نخستین سنگ‌های میانی معساری را پایه‌گذاری کرد، هر یک از این سه اصل نیز خود تعاریف مفصل و مبسوطی دارد که از زمان ویتروویوس تاکنون بارها صورت

گرفته است و شناخته ترین آن ها آثار ویله لُدوک Viollet- le- Duc معمار و محقق فرانسوی قرن نوزدهم است که کتابهایش نه تنها در بیزانس Beaux - Arts، جایی که وی کرسی استادی داشت، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان تدریس شد. اما چنان که گفتیم، معماری بخشی از محیط زیست ساخته و پرداخته آدمی را پدید می آورد، آن را می سازد و شکل می دهد. درک محیط و داشتن دیدی جامع از آن مستلزم بنیان گذاردن اصولی تازه بود که لینچ در کتاب سیمای شهر با مهارت و دقت و اصالت آن را پی ریزی کرده است. محتملاً سیمای شهر در تبیین اصول محیط همان نقشی را بازی می کند که مطالعات ویتروویوس و ویله لُدوک در تعریف اصول معماری کرد.

پنج عامل سیمای شهر: راه، لبه، گره، محله و نشانه که لینچ برای نخستین بار آن ها را در این کتاب مطرح می کند و سپس به تعریف آن ها می پردازد و آن گاه با ذکر و توصیف مثال هایی چند چراغی فرا راه درک آن ها و درک محیط فراهم می آورد حاصل بینش و حاصل اندیشه او است، یا در حقیقت، این پنج عامل را وی کشف کرده و به مدد آن ها محیط کالبدی را بهتر دیده و بهتر نشان داده است. اگرچه پدیده های طبیعی نیز در به وجود آوردن این عوامل مؤثر توانند بود و یا به راستی این عوامل می توانند حاصل ترکیبی از پدیده های طبیعی و پدیده های ساخته دست آدمی باشند، ولی سهم آدمی در به وجود آوردن آن ها و پرداختن به آن ها بسیار مهم است. از همین رو است که لینچ تنها به تعریف و توصیف این عوامل نمی پردازد، بلکه راه های ساختن سیمای شهر به قسمی که واجد این عوامل باشد نیز در این کتاب باز گفته می شود.

بحث بی سیمائی شهرهای امریکائی، فی المثل، در مقایسه با شهرهای اروپائی که در موارد بسیار از سیمائی با شخصیت و قابل ملاحظه برخوردارند چند بار در این کتاب مطرح می‌شود و به نظر می‌رسد مؤلف کتاب در مرحله نخست می‌کوشد به هموطنان خود بقبولاند یا بفهماند که غیر از ملاحظات عمل کردی (که از آن نظر نیز این شهرها نمونه نیستند) مظاهر دیگری که وی آن‌ها را در زیر چتر سیمای شهرگرد آورده و مطرح کرده است وجود دارد که درک آن‌ها برای زیست، یا بهتر، بهزیستی آدمی در شهر و محیطی که در برگیرنده شهر است لازم است. لنینج خود در این باره می‌نویسد: «در حال حاضر شهری که محیطش زیبا و دلنواز باشد، نادر است و یا به گمان بعضی اصلاً وجود ندارد. حتی یک شهر امریکائی، کوچک یا بزرگ موجود نیست که تمام مظاهر آن نیکو باشد. تنها پاره‌ای از شهرها اجزائی خوش دارند [تأکید از ما] و از همین روشگفت آور نیست اگر بسیاری از آمریکائیان ندانند معنای زندگی در محیطی که زیبا و محظوظ کننده باشد چیست. بسیاری از آمریکائیان زشتی شهری که در آن ساکن هستند برایشان آشکار است و از تراکم، کثافت، دود، آشفته‌گی و یکنواختی بسیار آن شکایت دارند؛ اما از ارزش بالقوه‌ای که در محیطی متوازن موجود است بی‌خبرند».

این چنین بی سیمائی خاص شهرهای امریکائی و این چنین بی‌اطلاعی نسبت به محیط شهر خاص شهروندان این کشور نیست. از نتایج نامبارک و نامقبول زندگی جوامع صنعتی و نیز پس از آن، شتابی است که بر این جوامع مستولی شده است، بی آن‌که به راستی آدمیان هم به سبب ساختمان جسمانی و روانی خود و هم به دلیل زیست و

رفتار در جوامع سنتی، برای چنین شتابی آماده باشند. گسترش شهرها تقریباً در سراسر جهان در قرن اخیر زاده این شتاب است و از مسبب اصلی بی‌هویتی شهرهای کنونی است. کتاب حاضر به راستی کوششی است برای وضع معیارهایی که شهر واجد سیما و باهویت به وجود آورد؛ یا به شهر موجود سیما و هویت دهد.

آن چه به اعتقاد من در طرح نکاتی که لینچ در سیمای شهر مورد توجه قرار می‌دهد فوق العاده حائز اهمیت است آغاز دگرگون کردن مفهوم شهر، از پدیده‌ای دو بعدی و کاغذی - چنان که مرسوم «نقشه‌کشان شهری» بوده - به پدیده‌ای چندبعدی و همراه آن زندگی شهری است. بسیاری از طرح‌هایی که برای بسیاری از شهرهای جهان در میان شتاب عصر حاضر تهیه شده دو بعدی است و بدون ملاحظاتی است که بخش اعظم کیفیات بصری شهر پدید می‌آورد.

پاره‌ای از دلایل چنین وضعی، البته مربوط به آن است که در حال حاضر وسائل ما برای تجسم و ادراک و نیز ترسیم شهر در فراسوی دو بعد، ناقص است. هیچ‌کس قادر نیست شهر را در حال پویایی و زندگی و حرکت ترسیم کند. اما پاره‌ای دیگر از دلایل، مربوط به نقض اصولی است که در شناخت شهر در ورای مفاهیم دو بعدی آن موجود است. لینچ در سیمای شهر نخستین قدم را در راه رفع چنین نقیصه‌ای برداشته است و به شهادت استقبالی که از این کتاب شده است همه جا موفق بوده است.

در حال حاضر، در مغرب زمین تعداد کثیری که در رشته‌های معماری و شهرسازی انتشار می‌یابد، در مقایسه با گذشته چندان فزونی یافته که حتی امکان نگاهی گذرا به همه آن‌ها برای اهل حرفه و

متخصصان میسر نیست، انتخاب کتاب خوب برای یک صاحب حرفه به کیفیت کتاب بسته است و به قبولی عام کتاب و شهرت و اعتبار آن و به نقد هائی که ممکن است از کتاب در مجلات حرفه ای منتشر شود و نیز تا اندازه ای - به ویژه در مراحل نخستین انتشار کتاب - بستگی به شانس و تصادف دارد! البته به ندرت کتابی خوب برای مدتی دراز از دیده پنهان مانده اهل فن را به خود جذب نکرده است. اگر تا مدتی قبل فقدان کتاب در پاره ای زمینه ها کاملاً محسوس بود و در موارد بسیار رنج آور، و متخصصان را دچار مشکلاتی می کرد که جز با کوشش فردی رهائی از آن ممکن نبود، امروز در بسیاری زمینه ها و فور کتاب وجود دارد و انتخاب اصلح! مطرح است. این راست است که هر مؤلف موضوع را از دیدگاه خود می بیند و آن را بسته به اندیشه ها و احیاناً مطالبی که خود روزی بدان ها نیاز داشته به رشته تحریر در می آورد، هنوز حوزه ها و عرصه هائی وجود دارد که کاملاً روشن نشده اند و یا نوشته در آن باره ها در انطباق با نیازهای حرفه ای همگان نیست، ولی روی هم رفته و به طور کلی، چنان که گذشت اکنون فراوانی کتاب و فزونی تعداد آن در زمینه های بسیار انکارناپذیر است. از میان کتاب های فراوان - و گاه فزون از اندازه - کتاب هائی هستند که مرده به دنیا می آیند و عمرشان به پایان نسخ چاپ اول نیز نمی رسد. پاره ای دیگر ممکن است نظر اهل حرفه و متخصصان را به خود جلب کنند و مدتی مورد استقبال قرار گیرند، اما پس از مدتی یا به سبب کهنگی مطالب و یا به سبب انتشار کتاب های بیشتر و بهتر در همان زمینه و همان موضوع از رونق بیفتند. گروهی دیگر از کتب رونقشان سالیان سال دوام می آورد و انگار هرگز کهنگی نمی یابند.

کتاب حاضر از جمله کتاب های دسته اخیر است، یعنی متجاوز از سی سال تازگی و اهمیت و رونق خود را حفظ کرده است و با آن که چاپ های متعدد از آن شده، همچنان یکی از پرفروش ترین کتب حرفه ای در زمینه معماری و شهرسازی است^۱ و اما چه چیز استقبال صاحبان حرفه و اهل نظر را از این کتاب توجیه می کند و یا آن را توضیح می دهد؟ اگر این پرسش را در یک جمله موجز پاسخ گوئیم: سیمای شهر واجد مطالبی اساسی و مورد نیاز درباره شهرسازی و معماری است که به موقع و بجا ابراز شد. توپنداری این کتاب پرسش های کرده و ناکرده ولی مورد نیاز حرفه را پاسخ داد.

لکربوزیه هنگامی که در سیر و سفرهای مفید *les voyages utiles* خود، نظرها را به جنبه های خوب معماری گذشته، از قسطنطنیه و کراف های مدیترانه تا جبل الطارق، جلب می کند، در سرزنش آن ها که اصالت و زیبایی و سادگی معماری این نواحی را نادیده گرفته اند، از چشم هایی که نمی توانند دید: *les yeux qui ne voient pas* صحبت می کند و چشم بینا را مانند سیر و سفرهای مفید از جمله شرایط درک معماری و شهرسازی و پرداختن بدان ها اعلام می کند. اما لکربوزیه خود معلم نیست و به صورتی منسجم و نظام یافته به ما نمی گوید چشم بینا چه چیزهایی را می بیند. این مهم را لینیچ در سیمای شهر به عهده گرفته است و از عهده آن بخوبی برآمده است. البته لینیچ چنان که خود با حق شناسی و سپاسگزاری اظهار میکنند از چشم بینای گئورگی کپس در دیدار از شهر و یحتمل در به

۱ - تا سال ۱۹۹۰ که ترجمه فارسی حاضر با آن مطابقت شده، این کتاب بیست بار تجدید چاپ شده است.

نظام آوردن حاصل این دیدار مدد گرفته است. و کپس مانند بسیاری از صاحب نظران و متخصصانی که در سال های سی و چهل به قاره جدید مهاجرت کردند و پاره‌ای از آنان چون میس ونده رو و گریوس در این قاره به اوج شکوفائی خود رسیدند، دست پرورده فرهنگ غنی اروپا است. حاصل کار آن که اینان با به یاد آوردن جنبه های نیکوی معماری و شهرسازی اروپائی به جستجوی عواملی پردازند که به شهر کیفیت بصری مطلوب دهد، - به یاد آوریم که پژوهشی که سیمای شهر براساس آن ساخته شد در بُستن صورت گرفت که بسیاری از کیفیات شهر اروپائی را در خود دارد - و از همه مهم تر این که نظرات خود را از کیفیت بصری مطلوب، به شیوه‌ای نظام یافته و با معیارهایی تعریف شده و معین به آشکارا و فصاحت ابراز می دارند. جالب است که این معیارها با همه مشخصات اروپائی که دارند تقلیدی از معیارهای اروپائی نیست و دعوت به کهنه پرستی نمی کند، بلکه چون حاصل و جوهر سال ها تجربه شخصی براساس مشاهدات دقیق شهرها است، در عین استواری و استحکام، تازگی و اصالت مکرانه دارد.

همین معیارها که لینچ در سیمای شهر مطرح و تعریف کرده و با مثال ها و مشاهدات مستقیم آن ها را به محک آزمایش کشیده و به آن ها روشنی و دقت داده است، اکنون اساس و مفهوم کیفیات بصری شهر را پدید آورده و همان گونه که هر جا صحبت از انرژی و ماده است صحبت از نظریات آین شتاین است، هر جا بحث شهر و سیمای آن پیش آید، صحبت از این معیارها است که به تعبیری باید آن ها را کشفیات لینچ یا ساخته و پرداخته ذهن وی به شمار آورد.

من در مقدمه ام بر چاپ دوم این کتاب از این معیارها سخن

گفته ام و خود کتاب تعریف دقیق آن ها را به دست می دهد. از تکرار این مطالب در می گذرم. اما همان گونه که در آغاز این بحث اشاره کردم، بزرگترین اهمیت آن ها در این است که دیده ناظر علاقمند و دست اندرکاران معماری و شهرسازی را به مظاهر بصری محیط می گشایند و از همین رو ارزش کلاسیک یافته اند. چون محیطی مناسب و در شأن زیست آدمی تنها محدود به روابط عمل کردی نمی شود، موفق ترین شهرها از نظر روابط اقتصادی - چنان که فی - الحصل پاره ای از شهرهای امریکا چنین اند - ممکن است بی روح و یکنواخت و خسته کننده باشند. آن چه زندگی را می سازد و به محیط، زندگی و سرزندگی می دهد علاوه بر روابط خوب عمل کردی باید واجد کیفیاتی باشد که بحث لینچ در سیمای شهر بر سر این کیفیات است. لینچ این کیفیات را شناخته و به صورتی سازمان یافته به تعریف و تشریح آن ها پرداخته است. و این کار برای نخستین بار است که بدین صورت شکل گرفته است و تقریباً نخستین گام در این راه است. پس بگذارید همان گونه که دلخواه لینچ نیز بوده است از آن ها عواملی خشک و لاابتغیر نسازیم. بدون تردید بدون آگاهی بر اصول نیوتن، فیزیک را نمی توان دانست؛ اما دیری است فیزیک حد اصول نیوتن را در نوردیده است. این سخن ممکن است بر آنان که رفتاری تبعی و تقلیدی دارند و برده وار راه و رسم و کشفیات مغرب زمین را پیروی می کنند سخت گران آید. من امیدوارم در جایی دیگر و فرصتی مناسب تر درباره این نکات صحبت کنم ولی در این جا اشاره به این نکات را از این رو ضروری می دانم که پرسش و بحث را که از لوازم نخستین دانش پژوهی و معرفت خواهی است ترغیب و تشویق کنم.

بر آن چه نوشتم باید خبری تأسف انگیز را اضافه کنم و آن این که کوین لینچ، معمار و شهرساز و استاد ارزنده معماری و شهرسازی دیگر در میان ما نیست. با آن که چندان عمری از او نگذشته بود که به حکم کهنلت زندگی را بدرود گوید، ولی احتمالاً به حکم کار زیاد از این جهان رخت برپست. شاید چاپ نامه ای از لینچ که خواننده را با خط و انشاء و اندکی با افکار خصوصی وی آشنا کند، قدری فقدان او را جبران کند. این نامه را لینچ به من، مترجم فارسی کتاب سیمای شهر، به سال ۱۹۷۹ نوشت. من خود هرگز لینچ را ندیدم، اما در همین سال در سفری به بستن به او تلفن کردم و گفتم کتاب ارجمندهش را به فارسی برگردانیده‌ام. تازه چاپ دوم این کتاب در ایران منتشر شده بود. این خبر، هم تا اندازه ای او را متعجب کرد و هم خوشحال. گوئی انتظار نداشت که کسی کتابش را به این زبان ترجمه کند. به احتمال بسیار تا آن زمان، یک دوسه دانشجوی ایرانی از شاگردان او بودند. ایران را خوب می شناخت و می دانست نام زبان ما فارسی است. مرا به منزلش دعوت کرد، متأسفانه چون فرصت نداشتم نپذیرفتم. فکر می‌کردم در فرصت های آینده او را خواهیم دید. این فرصت با وجود دیدارهای مکرر من از بستن و اقامت چند ساله‌ام در این شهر هرگز به دست نیامد. اما لینچ یک نسخه از ترجمه فارسی کتاب را نیز خواست - امری که خود با شوق می‌خواستم در آن پیش قدم شوم - که برایش فرستادم، در واقع این نامه ای که در سطور آینده می‌خوانید پس از دریافت ترجمه فارسی کتاب نگاشته است.

نایاب شدن دو چاپ گذشته سیمای شهر حکایت از آن دارد که اثر لینچ مورد توجه فارسی زبانان قرار گرفته است. تردیدی ندارم که

چاپ سوم کتاب نیز که با دقت بازخوانی شده، با آخرین چاپ متن اصلی کتاب (به سال ۱۹۹۰) مقایسه شده و در آن اصلاحات لازم به عمل آمده همچنان مورد استقبال قرار خواهد گرفت .

منوچهر مزینی

تابستان ۱۳۷۱

www.ketab.ir

ترجمه نامه لینچ به مترجم فارسی «سیمای شهر»

۱ سپتامبر ۱۹۷۹

آقای مزینی عزیز

نامه محبت آمیز شما و ترجمه فارسی کتابم را تازه دریافت کرده‌ام. همان گونه که ممکن است حدس بزنید، دیدار نوشته انسان به زبانی دیگر، به ویژه زبانی که آن را نمی‌شناسد و احتمالاً هرگز به آن تکلم نخواهد کرد، احساس عجیبی پدید می‌آورد. هنگامی که سنگی به آب انداخته می‌شود، موج‌هایی که برمی‌انگیزاند گاه چنان دور می‌روند که دیگر نمی‌توان رابطه شکل و سرعت موج‌های نخستین و موج‌های آخرین را دید. انسان دیگر نمی‌داند این امواج به کجا می‌روند و آیا انگیزاننده چیزی خوب هستند یا زیان آورند.

برای کوششی که در ترجمه کتاب من و انتشار آن کرده‌اید از شما بسیار سپاسگزارم و بیش از آن از سخنان محبت آمیز شما که همراه کتاب برایم فرستادید تشکر می‌کنم. اگر کتاب من مورد استفاده شهرسازان و معماران ایران قرار گیرد فوق العاده خوشحال خواهم شد. دست کم عنوان کتاب وقتی به فارسی در روی جلد نوشته شده بسیار زیبا است. آرزویم این است که حروف انگلیسی به اندازه حروف فارسی زیبا بود.

یازده

مقاله شما [به انگلیسی] دربارهٔ ماسوله نیز فوق العاده جالب بود؛ اما فقط اشتباهی مرا برای دیدار این آبادی تحریک کرد. علاقه دارم شما را ببینم و نیز از این آبادی دیدن کنم. شاید امریکائیان به تدریج در ایران بهتر پذیرفته شوند. اطمینان دارم می‌دانید در حالی که ما نفت شما را مصرف می‌کنیم، اما همهٔ ما علاقه نداریم به جای نفت به شما سلاح‌های نظامی پیشرفته و صنایعی فروخته شود که به کارتان نمی‌آید و به رابطهٔ حکومت امریکا با رژیم گذشتهٔ شما نیز شائق نبودیم.

در هر حال، تشکر فراوان برای کتاب شما.

با مودت،
کوین لینچ